



نشریه ماهانه:
3rd Series, Issue 79
 سری سوم، شماره 79
 اسفند 98، Februer 2020

سردبیر: مینو همتی
Editor-in-chief: Mino Hemati
Email: minohemati@gmail.com
 مدیرمسئول: شراره رضایی
Managing editor: Sharareh Rezaei
Email: shararehrezaei.p@gmail.com



مطالب

اطلاعیه رهایی زن به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن (17 اسفند)

مصاحبه سازمان رهایی زن با شراره رضایی فعال حقوق زنان و کودکان به مناسبت گرامی داشت 8 مارس روز جهانی زن

بی مسئولیتی جمهوری توخالی اسلامی در قبال انسانیت
 سحر بابا سلجی

”رای بی رای“ کاری از: مریم ”رونیا“ رضایی

بررسی علل شلیک دو موشک به هواپیمای مسافربری بر فراز پایتخت رژیم اسلامی
 گفتگوی رهایی زن با ثریا شهابی

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه! رنوف افسانی

نوشته ای از: ماریا یوسفی

حکومت ایران و همجنسگرایان: شیما مقدم

نامه گلرخ ابرایی از زندان قرچک؛ در نمایش اهانت‌آمیز حکومتی که دست‌ان زمامدارانش به خون آلوده است شرکت نمی‌کنیم

این جانیهای لابی حکومت از جان یک ملت، یک سرزمین چه میخواهند؟
 فریبا رشیدی

وضعیت حقوق بشر در ایران
 مرضیه آدمی

ندا ناجی آزاد شد

آفیش روز جهانی کارگر در شهر شتوتگارت آلمان
 کرونا چیست



8 March International Women's Day

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن

جنبش میلیونی رهائی زن در همبستگی با جنبش دانشجویی و جنبش کارگری و دیگر اقشار تحت ستم فریاد میزند به کمتر از آزادی و برابری و یک زندگی شایسته انسان امروز رضایت نمیدهم .

زنده باد آزادی و برابری!

به نشریه رهایی زن بپیوندید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی. از زندگی زنان (خودتان) و کودکان ..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل های زیر ارسال کنید.

Markazi@RahaiZan.org

خبرها

- سه تن از معترضان آبانماه به حکم اعدام محکوم شدند
- بحران ویروس کرونا در کمین کودکان کار در سایه بی توجهی مسئولان
- میترا حجازی‌پور، عضو سابق تیم ملی شطرنج ایران که ۱۲ دی‌ماه به خاطر حضور بدون حجاب اسلامی در مسابقات جهانی، از تیم ملی اخراج شده‌است

راه های تماس با سازمان رهایی زن و نمایندگان آن در شهرها و کشورهای مختلف

معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی، نشریه ها و تلگرام

اطلاعیه رهایی زن به مناسبت هشت مارس

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن

چهار دهه از نخستین تعرض وسیع ارتجاع اسلامی به حقوق زنان میگذرد. حاکمان تازه بدوران رسیده با شعار یا رو سری یا توسری سودای بردگی ابدی زنان در نظام سرا پا تبعیض اسلامی را در سر می‌پروراندند.

از همان ابتدا با تظاهرات وسیع زنان در اولین هشت مارس، جنبش رهایی زن در ایران اسلام زده کلید خورد. ارتجاع اسلامی اوپاش و تحصیلکرده هایش را بسیج کرد تا این جنبش را در خیابان و در اندیشه سرکوب کند. سعی کردند با روز فاطمه زهرا و زینب این روز و آرمانهایش را به فراموشی بسپارند. غافل از آنکه جنبشی که با عزم جزم زنان سوسیالیست کلید خورد با صغرا و کبرا به خانه نمی‌رود بلکه در هر شکل ممکن به حیات خود ادامه میدهد و با انتقال تجربیات و سنت مبارزاتی خود به نسلهای بعدی مبارزه برای تحقق آزادی و برابری را به سرانجام میرساند.

توده های تحت ستم و استثمار در خیزش دیماه 96 و آبان 98 در رفراندومی مردم خیز رای خود را به خاکسپاری این نظام گندیده و متعفن داده اند. مشارکت گسترده زنان در این مصاف نشان از پایان تحمل کردن نظام و قوانین زن ستیز و ضد انسانی حاکمیت اسلام میباشد.

جرقه ای که دختران خیابان انقلاب به عبا پوشیده نظام زن ستیز زدند، حجاب، این سمبل یوغ بردگی زن و ستون اصلی تبعیض جنسی و تحقیر زن را نشانه گرفت و این آتش خاموش شدنی نیست.

ما شاهد حضور نسلی از زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب در صحنه مبارزه برای احقاق حقوق زن هستیم که تازه نفس و مصمم در هر مکان و زمان ممکن نظام متحجر و پوشیده حاکم را به چالش میکشد.

واقعیت امروزی حکایت از برهم خوردن توازن قوای اجتماعی دارد. دو بال اصلاح طلب و محافظه کار خفایش حاکم در دیماه شکسته شد و دیگر قابل ترمیم نیست. نمایش آخرین رای گیری نظام با عدم حضور اکثریت قاطع مردم به شکست کشیده شد. تحت حاکمیت ویروس اسلامی، ویروس کرونا نیز زندگی و سلامت مردم را به خطر انداخته است، مردم با ید خود با این هر دو ویروس کشنده مبارزه کنند. جنبش میلیونی رهایی زن در همبستگی با جنبش دانشجویی و جنبش کارگری و دیگر اقشار تحت ستم فریاد میزند به کمتر از آزادی و برابری و یک زندگی شایسته انسان امروز رضایت نمی دهیم.

نه گفتن به حجاب حق مسلم ماست!

بتاریخ سپردن حاکمیت اسلام زن ستیز حق مسلم ماست!

زنده باد آزادی و برابری

سازمان رهایی زن

مصاحبه سازمان رهایی زن با شراره رضایی فعال حقوق زنان و کودکان
به مناسبت گرامی داشت 8 مارس روز جهانی زن



حجاب و مخصوصا بعد از حمله سیستم به منظور سرکوب این مطالبات و دستگیری و زندان و شکنجه وسیع فعالین جنبشهای طبقه کارگر و در راس آن فعالین جنبش زنان، الان تمام دنیا این چهره های محبوب جامعه را می شناسند. برخی از این فعالین جنبش زنان که در برخی از اسامی را در بالا اشاره کردم تنها به جرم حمایت از کارگران در روز جهانی کارگر دستگیر و شکنجه می شوند و الان هم با وثیقه بطور موقت تعداد معدودی آزاد هستند و البته ندا ناجی* یکی از این بازداشتی های بیش از 290 روز است که هنوز در در حبس و زیر فشار شکنجه روانی و جسمی بسر می برد و حتی برایش تعیین وثیقه هم نشده است.

می خواهم وحشت جمهوری اسلامی از پیوند مبارزات زنان، کارگری و دانشجویان و معلمان هست که این اتفاق افتاده است. در طول تاریخ مبارزات کارگران اینطور نبوده که بگوید امر زنان، امر معلمان، دانشجویان، همه اینها امر و مطالبات من هست. و امروز قدرت مبارزات کارگران رنگ و بوی خودش را به تمام مبارزات دیگر که با گرایش های سوسیالیستی و خواست حداکثری هست، زده شده.

در کل می خواهم بگویم که: توازن قوا عوض شده و جنبش رهایی زن نیز مثل دیگر جنبشهای طبقه کارگر بالغ تر، هدفمند تر و با مطالباتی به شدت روشنتر و قدرتمند تر در میدان هستند و نبض جنبش ها به هم گره خورده و با هم می زند، نمی توانیم جنبش زنان را از دانشجویی یا معلمان و کارگری از هم جدا کرد.

انقلاب آتی کارگری، ستم جنسی، ستم اقتصادی و ریشه ی تمامی ستم ها و نابرابری ها را می زند. این نقطه عطف مطالبات جنبش کاری است.

مینو همتی: با جمع شدن بسط اصلاح طلبی جناحهای رژیم اسلامی، تکلیف اصلاحات قطره چکانی در قوانین ضد زن نیز روشن شده است، آیا بنظر شما جنبش رهایی زن شاهد پیوستن توده های وسیعتری از زنان و مردان آزادیخواه به این جنبش برای خلاصی از نظام زن ستیز و نابرابر خواهد بود؟

شراره رضایی: به نظر من همین الان ما شاهد پیوستن جنبش رهایی زنان و مردان آزادی خواه برای جنبش خلاصی از نظام زن ستیز و نابرابر هستیم. بطور جدی زنان خصوصا طی دو یا سه سال اخیر در خط مقدم پرچم دار مبارزات هستند.

اما قبل از وارد شدن به این مسئله دوباره خواستم تاکید کنم وقتی میگویم توازن قوا

بلکه مثل رودی سعی کرد که موانع و محدودیت ها را یکی یکی بشکند و به پیش ببرند تا به جنبش های بزرگتر کارگری پیوند بخورند. خصوصا از سال 96 شاهد حضور چشمگیر و قدرتمند زنان و دخالتگری مستقیم آنها در اعتراضات کارگری بودیم.

حضور زنان در اعتراضات کارگران هفت تپه و بعد در دانشگاه ها، با شعار "فرزندان کارگرانیم، کنارشان می مانیم" در صف اول اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران گروه ملی اهواز بودند و یکی از اعتراضات ارزشمندی که قدرت و جایگاه زنان در این اعتراضات رو به نمایش گذاشت و حتی در جایگاه آژیتاتور کارگری نقش بسزایی ایفا کردند.

چهره هایی مثل سپیده قلیان و سانازالهیاری که درکنار و دوشادوش اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه بودند و تاریخ ارزشمند مبارزات کارگری را با حمایت و رساندن هرچه وسیعتر صدا و مطالباتشان و حمایت از مبارزات کارگران، در حافظه ی تاریخ به ثبت رساندند، جمهوری اسلامی حتی با زندانی و شکنجه کردن نه فقط آنها بلکه تعرض به بخش وسیعی از فعالین اما نتوانست و نمی تواند این صف را مرعوب و به عقب براند و مبارزات جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی تا احقاق کامل مطالباتشان ادامه دارد و خواهد داشت.

عاطفه رنگریر، مرضیه امیری، ندا ناجی از چهره هایی هستند که با وجود آنکه در ابتدا رسانه های بورژوازی آنها را عامدانه پوشش نمیدادند ولی بعد از تغییر توازن جامعه و هرچه پولاریزه تر شدن جنبش مطالباتی برابری طلبانه و قطبی شدن هرچه بیشتر مبارزات زنان و شعارهای شادی رفاه آزادی امنیت برابری و اداره شورایی لغو

روز جهانی زن در شرایطی فرا میرسد که رژیم اسلامی سراپا زن ستیز به سرآشویی سرنگونی نزدیک میشود و خشم مردم از وحشیگری رژیم، همچون سیلی خروشان به جنبشهای اجتماعی زنان، کارگران، معلمان و دانشجویان نیرو میبخشد. در برنامه امشب در مورد ضرورت بهم پیوستن جنبشهای اجتماعی برای خلاصی جامعه از چهاردهه نکبت حاکم بر سرنوشت مردم با میهمان عزیز برنامه شراره رضایی فعال حقوق زنان و مدیر مسئول ماهنامه رهایی زن به گفتگو مینشینیم.

مینو همتی: شراره رضایی عزیز به برنامه رهایی زن خوش آمدید، قبل از هرچیز فرصت را غنیمت می شمارم تا از زحمات شما برای انتشار ماهنامه رهایی زن طی 8 سال اخیر به سهم خود قدرانی نمایم و مطمئن هستم که خوانندگان ماهنامه نیز مشتاق دریافت شماره های بعدی هستند.

شراره رضایی: ضمن سلام به شما و ببینندگان عزیز برنامه تلویزیونی سازمان رهایی زن. همانطور که خوانندگان عزیز ماهنامه مشتاق دریافت شماره های آتی نشریه رهایی زن هستند. ما هم بی صبرانه منتظر مقالات و اخبار و نوشته ها و حتی تجربیات شخصی شان از مبارزات برای همکاری بیشتر با نشریه رهایی زن هستیم.

مینو همتی: فعالیت مبارزاتی زنان به جنبش رهایی زن محدود نمیشود بلکه در جنبشهای کارگری، دانشجویی و معلمان نیز چشمگیر بوده است. نظر شما در این خصوص چیست؟

شراره رضایی: همانطور که خودتون گفتید جنبش رهایی زن، همانطور که انتظارش می رفت دیگر محدود به جنبش زنان نیست

عوض شده دقیقاً مسئله اینجاست که دیگر اصولگرا یا اصلاح طلب یا هر جریان درون یا بیرون حکومتی رفرمیست، پرونده اش بسته شده است. ما همیشه گفتیم مسئله زن و حل مسئله زنان پاشنه آشیل سیستم ارتجاع اسلامی با هر مدل سرمایه داری در منطقه است. تغییر توازن قوا برای جنبش زنان یعنی رادیکالتر شدن مطالبات زنان را تحت هیچ شرایط و هیچ یک از این جناحها نمیتواند به قبل از دیماه برگرداند. جنبش زنانی که دوشادوش و اخیراً میبینید پیشاپیش صف برحق اعتراضی در میدان ایستاده است. جنبشی که با مطالبات بسیار روشنتر و جدیتر و بسیار عیان و قدرتمند در بیش از 90 شهر ایران صف آرایی کرده و اعلام کرد که دیگر توهمی به کشمکش‌های درونی جمهوری اسلامی ندارد و جمهوری اسلامی را مانع اصلی برای دستیابی به آزادی، به سعادت، به رفاه و امنیت خود میداند و برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی به میدان آمده است.

گفتم که اگرچه هر کدام از جنبش‌ها استقلال خودشون را هم دارند ولی به درست از سر منفعت طبقاتی مشترک با هم متحد شدن، این مبارزات طبقاتی ست و اینها از هم جدا نیستند. ما شاهد این بودیم و هستیم که زنان در عرصه‌های مختلف حضور دارند و در کنار هم برای رهایی زن مبارزه می‌کنند و به پیش می‌برند. ضدیت با فرهنگ واپسگرایی و ارتجاع در ایران بسیار قوی شده و زنان برای برابری در موقعیت شغلی، امکانات بهداشتی، دستمزد برابر و خلاصی از حجاب و یوغ بندگی اسلام و شریعت و خرافات هر روز دارن مبارزه می‌کنند و شعار و خواست و منفعت مشترک طبقاتی‌شان را همصدا با هم پیش می‌برند. در دانشگاه‌ها صدای دانشجویان دختر بعنوان لیدرهای شعار دهنده و سازمان دهندگان اعتراضات دانشجویی، در دفاع و همبستگی با اعتراضات آبان ماه مان را همه دنیا شاهد بودند، زنان شمشیرزنان این تجمعات بودند.

اینجا کافی ست که زاویه و فکوس مان را کمی گسترده تر کنیم تا حضور گسترده زنان در اعتراضات و خواست و مطالبات رادیکال، نه تنها در ایران بلکه در عراق و لبنان و فرانسه و شیلی را ببینیم. زنان جایگاه ویژه خودشون رو دارند پیدا می‌کنند و در نقش لیدرهای اعتراضات ظاهر شدند. دیدن تصاویر زنانی که چشم در چشم و چهره به چهره ی نیروهای سرکوبگر پلیس مقاومت می‌کنند و هراسی ندارند، خارج از اینکه شعف انگیز است بلکه پوچی و بی جوابی و سر آمدن نظم کثیف سرمایه را که در خدمت

بهرکشی جنسی و جسمی از بشریت و مخصوصاً زنان است را می‌دهد و امید به دنیای بهتر و رهایی زن را نوید می‌دهد. **مینو همتی:** در آستانه ی 8 مارس هستیم، شما نقش و جایگاه زنان در این روز را چگونه ارزیابی می‌کنید و چرا این روز مهم است؟

۸ شراره رضانی: مارس یکی از مهمترین دستاوردهای مبارزات زنان در طول تاریخ بشریت است. و این دقیقاً بخاطر زن بودن هست. چونکه در طول تاریخ زنان در کل دنیا در موقعیت فرودست و عقب مانده ای نگه داشته شدند.

زنان حتی برای اثبات وجود شان و حضور در چرخه ی تولید، گاهی مجبورند که منکر جنسیت شان باشند، مثلاً دختری که در کردستان برای تامین مخارج زندگی و خانواده ش مجبور بود لباس و تیپ مردانه بزند تا بتواند کیسه های سنگین مصالح ساختمانی رو بدوش بکشد و نیروی کارش را بفروشد.

جمهوری اسلامی پس از انقلاب، قبل از هر تعرضی به طبقه ی کارگری یا دانشگاه، اولین تعرض ش به زنان، با تحمیل حجاب اجباری بود که با اعتراضات 7 هزارنفره زنان در اولین 8 مارس پس از قدرت گرفتن ضد انقلاب یعنی جمهوری اسلامی روبرو شد که زنان شعار دادند: "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگرییم" و این اولین اعتراضات زنان علیه سرکوب، علیه ارتجاع و عقب ماندگی بعد از درهم شکسته شدن فلاکت و ارتجاع سلطنت و قدرت گیری ضدانقلاب و ارتجاع اسلامی در سال 57 بود.

فلسفه وجودی اسلام و ماهیت عینی جمهوری اسلامی ضدیت با زن و زیر ضرب بردن زنان و سرکوب هر نوع مطالبه زنان است و در این راستا در تمام دوره حاکمیت ننگین اش، تمام توانش را گذاشته تا زن را در جایگاه ضعیف و انسان درجه دو و سرکوب و مطیع شده نگه دارد.

نه تنها جمهوری اسلامی بلکه ما شاهد بودیم که تمام تلاش کسانی که سعی داشتند با پوز مدافعان حق زن از فمینیست های اسلامی امثال شیرین عبادی ها و مسیح علی نژاد ها میخراستند جنبش زنان را به ارتجاعی ترین خواست ها که حضور 50 درصدی زنان در مجلس و سهیم شدن در جنایت و تصویب قوانین زنان علیه زنان بکشاند و یا تلاش مضاعفی را داشتند تا مبارزات علیه حجاب، برابری حقوق زنان در تمامی عرصه ها و مبارزه علیه کلیت حاکمیت ارتجاعی اسلامی را به یک روز چهارشنبه های سفید تقلیل بدهند.

اما تمام تلاش این جریانات در به انحراف

کشاندن مطالبات رادیکال، پیشرو و برابری طلبانه زنان ناکام ماند و جامعه با سردادن شعارهایی چون:

نه شاه نه شیخ نه ملا دولت بدست شورا

اصلاح طلب اصولگرا دیگه تموم ماجرا

نان کار آزادی اداره شورائی

نان کار آزادی شادی رفاه آبادی

اما ماهیت ۸ مارس از اهمیت ویژه ای در اعتراض طبقه کارگر و همچنین در اعتراض کل تاریخ بشریت برخوردار است.

جایگاه و نقش زنان، جنبش رهایی زن در ایران بعد از عروج دختران خیابان انقلاب علیه حجاب که نماد قیود و بردگی ست خصوصاً بعد از اعتراضات وسیع کارگری و هفت تپه و خیزش دیماه، فاز دیگری به خودش گرفت. ما در دو سال پیش در مراسمی که در 8 مارس توسط "ندای زنان" برگزار شد، شاهد مطالبات و خواسته هایی روشن و به شدت رادیکال در بیانیه ها و سخنرانی هاشان بودیم.

جنبش زنان مهر رادیکال ترین مطالبات را بر جنبش مبارزاتی خودش زد و همه ی مهره های ریز و درشت جناحهای بورژوازی درون و بیرون حکومتی را آچمز کردند.

زنان دیگر به چیزی کمتر از برچیدن قوانین ارتجاعی و عهد بربریت و زن ستیز رضایت نمی‌دهد. دیگه جمهوری اسلامی توان این را نداره که این غولی رو که از چراغ خارج شده و خواهان آزادی و برابری، لغو استعمار و رهایی در عرصه های سیاسی و اجتماعی هست مهار کنه و شرایط ایران به قبل از جنبش دیماه بر نخواهد گشت.

جنبش رهایی زن در هر مبارزه ، بلوغ و بالندگی بیشتری پیدا کرده و خواست و حقوق انسانی رادیکال تری را مطالبه می‌کند و در اوضاع امروز کشور حضور خودش را برجامعه و تفکر ارتجاعی حاکمیت تحمیل کرده و برای پیشروی های بیشتر و زدن مهر رهایی زن به انقلاب آتی خودش را آماده میکند.

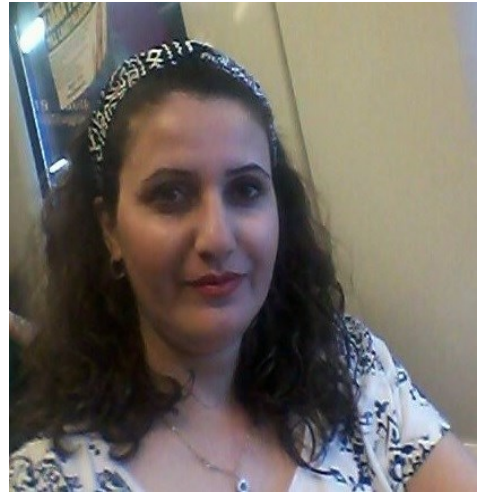
مینو همتی: شراره عزیز با سپاس از اینکه در این برنامه شرکت کردید و نظراتت را با بینندگان ما سهیم شدید.

***توضیح:**

ندا ناجی در روز 9 اسفند به طور موقت به مرخصی آمد.

مصاحبه قبل از آزادی موقت ندا ناجی انجام شده است.

بی مسئولیتی جمهوری تو خالی اسلامی در
قبال انسانیت
سحر بابا سلجی



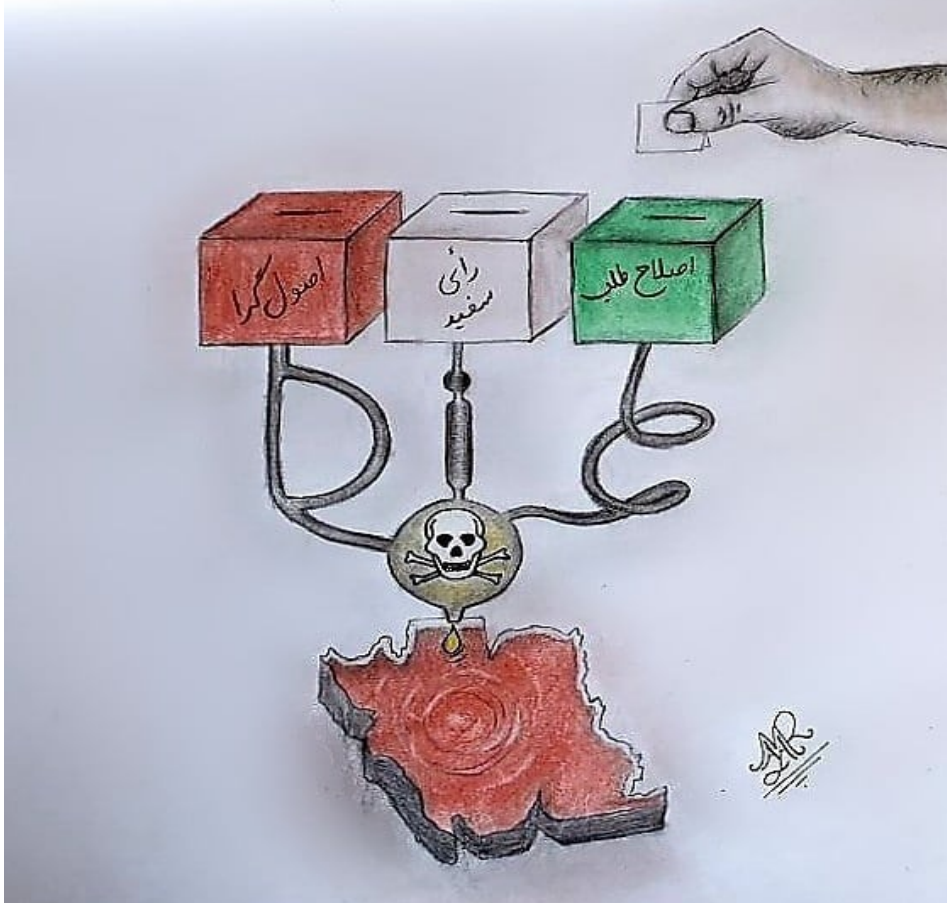
از بدو به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی تا امروز مردم ایران شاهد جنایات هر روزه این سیستم سرپا جنایت کار است. جنایات رژیم چنان گسترش یافته است که اگر بخواهیم موردی حساب کنیم باید کتاب ها نوشت با یک مقاله و چند مقاله خلاصه نمیشود. طی همین دو ماه پیش فقط در یک اعتراض مدنی 1500 نفر را در خیابان جلو چشم مردم دنیا به خاک و خون کشید و چند هزار معترض را دستگیر به دونه اینکه هیچ اطلاعی در مورد این جنایاتش به خانواده معترضین بدهد و متأسفانه بسیاری از کشورهای مدعی حقوق بشر سکوت کرده اند. هنوز خون کشته شدگان آبان خشک نشده بود که سپاه تروریستی رژیم جمهوری اسلامی با کمال بیشرمی در یک حرکت غیر انسانی با شلیک موشک به هواپیمای مسافربری جان ۱۷۸ نفر انسان بی گناه را گرفت. بسیاری از زنان و مردان عزیز و از ادیخواه که برای عدالت و دستیابی به یک زندگی بهتر دست به حرکت اعتراضی زدند اما جمهوری اسلامی با گلوله جواب معترضین را داد. از همان روز اول به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی مردم مخالف این سیستم عصر مجری بودند و رژیم هم جواب مخالفتها را با شکنجه، اعدام، زندان و ترور داد اما با توجه به شدت پیدا کردن این کشمکش بین رژیم و مردم، جمهوری اسلامی متوجه شده که وضعیت مثل سابق نیست و مردم از هر زمان دیگری یک دست تر میخواهند این رژیم را سرنگون کنند به همین دلیل رژیم جواب کوچکترین اعتراض را با شدیدترین برخورد میدهد.

اعتراض آبان ماه بخاطر گرانتتر شدن بنزین در ایران شروع شد ولی خود رژیم

متوجه شده بود که این حرکت یک اعتراض عادی نیست بلکه مردم خواهان سرنگونی هستند. اما خشونت همان از طرف رژیم و پیشروی مردم و متحد ترشدنشان همان مردم دیگر این حکومت ننگین و خونریز رو نمیخواهند و برای دستیابی به ایرانی آزاد و رها به مصاف با رژیم به خیابانها ریختند، که جواب خواسته هایشان با گلوله و سرکوب و زندان داده شد، و چندی بعد از اتفاق آبان ماه امسال، منهدم کردن تعمدی هواپیمای اوکراینی و کشته شدن 176 سرنشین بیگناه که شماری کودک بودند که همگی به وحشیانه ترین شکل ممکن پرپر شدند، و اینکه رژیم به وقاحت تمام بعد از سه روز زبان به سخن گشودند که نه تنها جنایت خود را به گردن نگرفتند بلکه سعی بر پاک کردن صورت مسئله نمود. تا قبح واقعه را تصادفی جلوه بدهد.

متأسفانه این دو رویداد تلخ باعث شد که شمار بسیاری از خانواده های این عزیزان تا همیشه داغدار بمانند مسلماً این اتفاق هولناک تبعات بسیار مخرب و ویرانگری بر جسم و

کاری از: مریم "رونیا" رضائی گیوی
رأی بی رأی



بررسی علل شلیک دو موشک به هواپیمای مسافربری بر فراز پایتخت رژیم اسلامی
گفتگوی رهایی زن با ثریا شهابی



، اینو بعدا باید به زور از شون بیرون کشید که حقایق این فاجعه عظیم انسانی را هم بگن ،بهر حال اینها مسئله شهادت نیست ،اینها موقعیتی که در آن قرار گرفتن گره گاهیه که هر نوع عقب نشینی، سیر فرو پاشی شان را تسریع میکنه و خودشدن هم اینو میدونند و هر نوع مسئولیت جنایاتشان را بر عهده گرفتند ،تعرض پایین را تشدید میکنه و سرنگونی شان را تسریع میکنه مقابله میکنند، از این نظر مقاومت میکنند و اینها خیلی شهادت دارند در مقابل امریکا غلط بکنند و در مقابل صدام جام زهر را بنوشند، و شیطان بزرگ بر اشون بشه دوست و رفیق ،در مورد محرومین ،در مورد کسانیکه جنایات تاریخی در موردشان اعمال کردن ،اینها میدانند که هر گونه عقب نشینی ،مرگشان را تسریع میکنه و ابراز مسئولیت کردن در مورد این جنایاتی که آفریدن ،مرگشان را نزدیکتر میکنه و تعرض پایین شان را تشدیدتر میکنه ،فی الحال همه بخش زیادی از حقایق را میدانند و مردم ایران و سپاه و مقام معظم کل ایران را مسئول این جنایت میدانند .

مینو همتی: جنبش اعتراضی دانشجویان در واکنش به نقش تمامی ارکانهای حکومت زرو زور تزویر در ماجرای هدفگیری و قتل سرنشینان هواپیمای اکرانین، تمام ژست قدر قدرتی حاکمان را باطل کرد، اعتراضات مدنی هنرمندان در شکل تحریم جشنواره های رژیم روبه افزایش است. بنظر شما آقای خامنه ای از وحشت کدامین کابوس پشت تریبون نماز جمعه پناه گرفت؟

ثریا شهابی: از وحشت اینکه مردم دارن بهشون تعرض میکنند ،این را داشت ،وقتی که توی خیابانهای تهران شعار دادند ،ننگ ما ،ننگ ما ، رهبر الدنگ ما . را نثارش کردند ،40 ساله کابوس این را دارن که این مردم میریزند سرشان خمینی هم گفته بود که میریزند سرمان ، برای اینکه میدانستند برای شکست انقلاب به قدرت رسیدند ، و هیچکدام از اهداف انقلاب را نه تنها نمیتوانند برآورده کنند بلکه سرکوب هم بکنند .

کابوسی که امروز اومده سراغشون ،2 رکن سپاه و مقام معظم مورد تعرض قرار گرفته که شما اشاره کردید به تعرض دانشجویان و الان طیف وسیعی از هنرمندانی که بخشی از آنها از یاران نماز و کمک به پروپاگاندای جنگ خود حکومت میدانند ،امثال آنهایی که ماجرای خود امروز را تولید کردن که بشدت دستگاهی و ضد مردمی ،تا کسانی که کارهای هنری میکنند ،اینها از رفتن به جشنواره فجر سرباز زدند .

عور تمام دستگاه حاکمیت به خاطر اختناق مطلق و به خاطر ابعاد توحش و جنایاتی که مرتکب شدن همچین فرصتی بهشون نمیده که در مقابل زیر فشار اعتراض مردم بیایند و مسئولیت جنایاتشان را بر عهده بگیرند ، معمولاً وقتی اینها را به زیر بکشی ،توی دادگاههای مردمی مجبورشون کنید که همه حقایق را در مورد جنایاتشان و دلایلش که حقایق را بگویند و نتیجه اعمالشان را بر عهده بگیرند . طبعاً اینها در مقابل هر کسی حاضر باشند سر خم کنند و عقب نشینی کنند و مثل خمینی در مقابل جنگ ایران و عراق جام زهر بنوشند .مقام معظم رهبری بعد از یک عمر مرگ بر امریکا ،مرگ بر امریکا ،حاضر باشند بروند با امریکای جهان خوار سازش کنند و بساط برجام راه بندازند و جشن بگیرند و امیدوار باشند در مقابل مردم ایران هیچ ابراز پشیمانی ،احساس مسئولیت و یا اعتراف به جنایاتشان نمیکند ،اینها را باید مجبورشان کنید و وقتی در دادگاههای مردمی بیابین کشیده شدند ،شهادت که نه ،مردم از آنها بیرون میکشند که چه جنایاتی کردند و مسئولیت تمام اعمالشان را در نظر بگیرند و همه حقایق را در مورد فجایعی که آفریدن بگن، به قول شما سینما رکنس آبادان را گفتید ،و این ماجرای هواپیما هم روایات مختلفی در موردش هست ، اول گفتند بخاطر ایراد فنی و بعد از این همه دروغگویی ،گفتند ایراد انسانی بوده و بعدش حالا معلوم شده که این یک هدف نظامی بوده که زدن و ،و اینطور نبوده که موشک باران کردن آسون و این هواپیما شانسی رفته و خورده به موشک ،نشانه گرفتن و رفته خورده به هواپیما و بعنوان هدف نظامی زندش و ممکنه که خواستند بندازند گردن امریکا و اینکه امریکا حمله کرده ،یا به هر دلیل دیگری که روایات زیاده و اینها ظرفیت همه کاری را دارن

بینندگان عزیز، قبل از هر سخن، به تمامی بازماندگان جانباختگان کشتار هوایی رژیم اسلامی از صمیم قلب تسلیت میگوئیم و در دادخواهی بین المللی شما همراهان خواهیم بود.

تحولات پی در پی صحنه سیاسی، اجتماعی و نظامی، کشور اسلامزده ایران را به میدان کشمکش جنبشهای آزادیخواهانه از یکسو و مرتجعین حاکم از سوی دیگر تبدیل کرده است.

در برنامه امشب برای بررسی این رویدادها با ثریا شهابی فعال سیاسی مارکسیست، مدافع حقوق زنان و کودکان به گفتگو میشینیم.

<https://youtu.be/TCHVSHh3N8>

ثریا شهابی به برنامه رهایی زن خوش آمدید.

رژیم جنایتکار اسلامی که قبل از قدرتگیری زنده زنده سوزاندن مردم در سینما رکنس آبادان را در پرونده خود داشت، در دهه چهارم حکومتش دست به جنایت هولناک دیگری زد و هواپیمای مسافربری را بر آسمان پایتختش هدف دو موشک قرار داد و سرنشینان آن را قتل عام اسلامی کرد.

مینو همتی: ثریا شهابی چرا سران رژیم شهادت پذیرش مسئولیت تمام و کمال این جنایت را ندارند؟

ثریا شهابی: اجازه دهید که منم به همه مردم ایران و بازماندگان این فاجعه تسلیت بگویم و خودم را در غم آنها شریک بدانم، ببینید هیچ حکومت مستبد و استعمارگر و ستمگر و جنایتکاری با زبان خوش اعتراف نمیکند، به مسئولیتش در جنایاتی که آفریده ،توی کشورهای غربی بالاخره به مکانیزمهای غیرمستقیمی دارند که شانه خالی کنند و سپر دفاعی ندارند . لخت و

جشنواره فجرشان داره فرو میریزه، از مسابقات المپیک و مسابقات قهرمانی، فوتبالیستی که میگه من مدال بگیرم، وقتی که مردم ایران عزا دارند، و همش تمام این سرمایه هایی که به اصطلاح یه جوری جلوی صحنه اومده بود که داره با سوخت و ساز فرهنگی داره خودش را جفت میکنه، همش داره فرو میریزه، از آنها بگیر تا نمایندگان مجلس که میکشند کنار، مسئول شهرداری میکشه کنار و عده ای از هنرمندان را به زور وادارشان میکنند که توبه کنند و زندانشان کرده اند بخاطر اینکه نمیروند جشنواره، بهر حال این نشان ریزش حاکمیت، باقی ماندن یک جوهر فشرده سپاه و مقام معظم و نماز جمعه خامنه ای در واقع پیام به خودشان بود، که سنگرها را رها نکنید که فرار نکنید، بمانید و مقاومت کنید و میتوانیم مقاومت کنیم. با رجوع به دست بردن توی سرمایه گندیده و فرو پاشیده اسلام سیاسی از روزهای خمینی که انداختن این شعار در دهن مردم که، تا خون در رگ ماست، خمینی رهبر ماست، تا یا تا خون در رگ ماست، خامنه ای رهبر ماست و دو باره زنده کردن اقتدار سپاه، ببینید توی ماجرای کشته شدن قاسم سلیمانی اقتدار سپاه ضربه بزرگی خورد و اینکه هم امنیت شان هم اینکه خیلی دستگاه امنیتی خیلی عجیب و غریبی داریم که سپاه خیلی اقتدار داره و اون باعث ارباب و وحشت و نگهداشتن این نهاد اقتصادی خود سپاه بود، همه اینها فرو ریخت. با مرگ قاسم سلیمانی. زنده نگهداشتن اقتدار سپاه تو دستور کارشون بود، بعد سپاه زده هواپیما را با 176 نفر را کشته، در نتیجه مراسم قاسم سلیمانی و رد شدن مردم ایران از روی جنازه اون، دو باره اقتدار سپاه را ضربه بزرگی بهش زد. این دفعه توسط ایران، نه توسط تروریسم ترامپ، در نتیجه خامنه ای رجوع و تلاشش برای نگهداشتن 2 رکن مهم نظام یکی سپاه و یکی مقام معظم که شما سپاه شامل یک ارکان نظامی و اقتصاد بزرگی است که ارکان زنده نگهداشتن جمهوری اسلامی، پیامش توی این 2 تا در واقع رو به خودشان بود که حول این 2 رکن جمع شوید و تسلیم و متفرق نشوید و در دور قبل از رئیس جمهور و مجلس تا قوه قضائیه اش باهانش سازش کرده بودند، آگه یادتون باشه دور قبل که اینها خاموشی بزرگ تاریخی را ایجاد کردند و اون کشتار عظیمی را کردند که اون خاموشی بیش از 1000 نفر را کشتند و تعداد زیادی را زخمی کردند و عده زیادی را دستگیر کردند، حتی کسی مثل خاتمی که به اصطلاح نقطه امید اصلاحات در ایران بود رفت و سجده کرد

در بارگاه خامنه ای و گفت چقدر خوبه که ما رهبری داریم که این اتحاد را نگه میداره و همه تعظیم کردند و پشت رهبر و سپاه متحد و منسجم شدند که بلافاصله با کشتن قاسم سلیمانی فرو ریخت که این کار دشمن خارجی و تروریسم امریکا بوده، ولی بلافاصله باز نشان داد که خود این سپاه قدرت مخربش بیشتر از هر کسی نصیب خود ملت ایران میشود.

این تعرض از پایین علیه اقتدار سپاه دو باره برشان گرداندند به فرستگها عقب تر از اونی که بودند، در نتیجه خلاصه کنم، سخنرانی خامنه ای پیام به خودش بود، که مقاومت کنید برای زنده ماندن نظام، باید حول مقام معظم و سپاه متحد شوید.

مینو همتی: با اینکه جناب ولی فقیه خود را در ارتباط مستقیم با خدای متعالشان نشان میداد و ماحصل ترور حاج قاسم توسط آمریکا، که مراسم پرهزینه حکومتش بود را یوم الله خطاب کرد، بنظر میرسد مشاهده خشم و انزجار مردم از این حکومت جنایتکار از غضب الهی برایش عذاب آورتر بود. بنظر شما پیامهای پنهان و آشکار جناب خامنه ای به لشکر روحیه باخته اش چه بود؟

ثریا شهابی: بله، دقیقاً این خشم و نفرت و انفجار اعتراضی را اینها 40 ساله در موردش میداند، اینطور نیستش که یک روز بدون سر نیزه توانسته باشند بر ایران حاکمیت کنند، در نتیجه این خشم و انزجار و انفجار عمومی که انفجار عمومی 2 سال پیش ما توی دیماه داشتیم، از آن موقع دیگه جنگ مرگ و زندگیشان را به جامعه و مردم ایران به خصوص با محرومین دارند و به این خشم آگاهند، چیزی نیست که اینها ندانند و تلاش نکرده باشند که خاموشش کنند، شما شاهد همه جور جنایتی از جمهوری اسلامی ایران. از کشتادهای هولوکاست که توی دهه 60 آفریدن تا فضای جنگی برای شکل دادن به اون حکومت خودشان تا تعرضی که به دانشجویان کردند توی جریان جنبش دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، فجایی که آفریدند و مستند سازی تا حمله ای که در دیماه کشتاری که کردند، توی تعرضی که به کارگران 7 تپه و فولاد کردن و رهبران و سخنگویان کارگری را به زندان کشاندند و مستند سازی، همه اینها برگشت به صورتشون، هر ترفند قدیمی و سنتی که اینها توی کیسه داشتند و بکار بردند، برگشته علیه شان و یک تعرضی را از پایین برایشون دامن زده، این چیزیه که امروز برایشون تازگی داشته باشه، این جنبش محروم و حرکت خود به خود و عبورش از مقام معظم

و سپاه، جامعه ایران علیه کل بنیادهای نظام خیلی آگاهانه به میدان آمده و این بیشتر از پیامی که گرفتن که چقدر خشمگین این هستش که اونو در موقعیتی قرار داد که برای بقا هر کاری را بکند، در نتیجه خواب را از چشمان رهبر ربوده. تردیدی در این نیست و همه صحبت میکنند از این یک بحران انقلابی در ایران در جریان و جمهوری اسلامی نمیاند و صحبت بر سر چگونه رفتنش و شکلی که سرنگون میشه و حکومتی که به جای آن میآید، تا همین الان جنبش سراسری به هم پیوسته مردمی از روستا و شهرهای مختلف ایران، یک جنبش به هم پیوسته است که نتوانستن توی آن شکاف قومی و شکاف مذهبی و جنسیتی و شکاف پیشینه قومی بوجود بیآورند ولی اینه تنها شانسان سرمایه گذاری روی دسته جات قوم پرست شیعی که دارند مثل حشد الشعبی و فاطمیون و همه اینها را دارند، توی ایران به عناوین مختلفی بندازند به جان جامعه و دسته جانت سنی را اجیر کنند، یا کرد، ترک و عرب، تحت این عناوین تا که صف متحد مردم و متحدین و متحدی که دیگه جان به لبش رسیده و هیچ بهانه ای را از شان قبول نمیکند که این اتحاد را بشکنه، در نتیجه اینها الان مسئله شان بالاتر از اینکه با فریب و تحمیق بخواهند حاکمیت کنند و بخواهند پروپاگاندای اسلامی را راه بیندازند، این هستش که چطوری خودشان را از این مخمصه نجات دهند. طبعاً هم خود جمهوری اسلامی که در قدرته سعی میکنه که شانسنش را امتحان کنه و از به استیصال کشاندن مردم، امیدش اینست که بهش فرصت دهند که بتونه دسته جات جنائی اش را در جامعه به راه بندازه، جامعه همه کاری میتواند بکند، حتی من در مصاحبه ای گفتم، حتی آب آشامیدنی مردم را مسموم کنه، انفجار و بحران بوجود بیاره، این هواپیما را زده، در نتیجه فرصت این را داشته باشه که همه اینکارها را بکنه که بلکه نعمتی از جایی، تخصصاتی جدی بکنه، از ترکیه ای، از چین یا از روسیه است، این یا اون یا از شکافی که توی اروپا هست، امکاناتی برایش فراهم بشه که بتونه بشکنه این جنبش را، از اون طرف هم، اپوزیسیون راستی که منتظر اینه که ترامپ ایران را برایش آزاد کنه که تحویل او بده، آنها منتظر آن هستند که بلکه این جنبش بهشون فرصتی بده و خلاء قدرتی پیش بیاره که آنها بتوانند اون لباس اسلامی سپاه را در بیآورند و آرم سپاهش را بردارند و یک آرم شیر و خورشید بچسبانند به تفنگشان، بلکه اینجوری بتوانند خلاء قدرت را پر کنند، شانسن پایین هم اینست که این

ادامه در صفحه ی 12

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!
رنوف افسانی



میلا نوجوان ۱۶ ساله فرانسوی است که به دلیل انتقادات تندش از دین اسلام در شبکه های اجتماعی تهدید به قتل و تجاوز جنسی شده است. این دختر نوجوان همجنسگرا حدود دو هفته پیش ویدئویی در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد که در آن به خرافات دین اسلام تاخته بود. او بعد از تهدید اسلامیها بمدت دو هفته به مدرسه نرفته است. پلیس فرانسه به دستور وزیر کشور و رئیس جمهوری از او محافظت می کنند.

این نوجوان ۱۶ ساله چند روز پیش با حضور در یک برنامه تلویزیونی تاکید کرد که از سخنانش در مورد اسلام پشیمان نیست و توهین به مقدسات را حق خود می داند.

رئیس جمهور فرانسه امانوئل ماکرون، در دفاع از میلا، دختر دانش آموزی که در شبکه های اجتماعی از اسلام انتقاد کرده بود و از طرف اسلامیون به مرگ و تجاوز جنسی تهدید شده بود گفت:

"در فرانسه قانون روشن است. شهروندان حق انتقاد از مذهب دارند و در کفرگویی و ترسیم کاریکاتور در باره مذهب آزادند." او ضمن دفاع از حقوق و امنیت میلا که بدلیل تهدید به مرگ و تجاوز جنسی از طرف اسلامیها بمدت دو هفته به مدرسه نرفته و تحت حفاظت پلیس فرانسه قرار گرفته است گفت:

"آنچه که در فرانسه ممنوع است تشویق و فراخوان به کینه ورزی و تعرض به شان و حیثیت افراد است."

او همچنین گفت:

"در کشور ما آزادی بیان تضمین شده است. آزادی کفرگویی، آزادی انتقاد از مذاهب، آزادی ریشخند زدن به آنها تضمین شده است و وجود این آزادیها خود گنجینه ای است."

سخنان امانوئل ماکرون بعنوان رئیس جمهور و رئیس دولت فرانسه بسیار مهم است. علیرغم هر انتقاد و مخالفتی که از امانوئل ماکرون و دولت فرانسه بعنوان یک دولت کاپیتالیستی و مافوق مردم دارم، اما این سیاست و موضع گیری آنها در رابطه با قضیه میلا و افسارگسیختگی مذهب و در اینجا اسلام و آزادی بیان بسیار مهم است و به همین دلیل با بازتکثیر سخنان رئیس جمهور فرانسه خواستم بگویم که دولتها در برابر جان شهروندان و حق آزادی بیان و حق نقد و ریشخند زدن به مذاهب و مخصوصاً اسلام که بالای جان مردم شده است و همچنین حق کفرگویی و مسخره کردن مذاهب مسئولند.

این در حالی است که خیلی از کشورهای دمکرات اروپایی و جهان تحت بهانه مسخره آمیز "اعتقادات مردم" که ولو هرچند فاشیستی و ضد زن و ضد مردمی هستند، کفرگویی و مسخره کردن مذاهب و حتی نقد ماهیت مذهب را غیرقانونی کرده اند. اما دولتها و کشورهای زیادی در جهان مانند ایران، عربستان، پاکستان و ... هستند که مجازات کفرگویی و مسخره کردن مذهب را اعدام اعلام کرده اند. وجود مذهب و مفاد و قوانین مندرج در همه مذاهب و مخصوصاً دین اسلام خود توهین کردن، تحقیر کردن و بی حقوق کردن

انسانها و مخصوصاً و بطور ویژه تری زنان است. پس چرا ما مردم و بویژه زنان نتوانیم آزادانه مذهب را نقد کنیم، آنرا مسخره کنیم، و کفرگویی کنیم؟

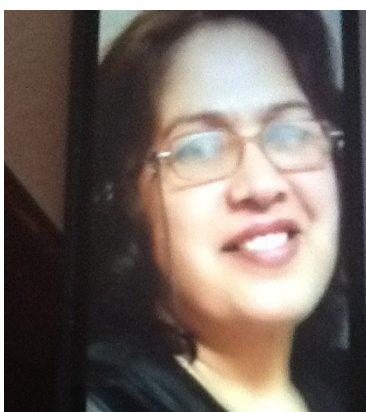
اقدام علنی و رسمی و قانونی دولت فرانسه در دفاع از میلا و حق آزادی بیان و نقد مذاهب و کفرگویی را تایید می کنم و باید همه دولتها از این روش پیروی کنند. سنتهای ضد مذهبی انقلاب کبیر فرانسه چنان قوی اند که هنوز در فرانسه و در بین خیلی از مردم دنیا قدرت دارند. چه جالب گفت کارل مارکس:

"مذهب افیون توده هاست"

درود بر میلا!

دست و دخالت و فضولی مذهب از زندگی مردم کوتاه!

منبع خبر: روزنامه گاردین بریتانیا ۱۲



ماریا یوسفزی: درود به مردم ازاده و ازادخواهان کره زمین. کره زمین که تمام آدم ها به عنوان انسان در آن زندگی میکنیم اما آدم ها با تفاوت های مذهبی - نژادی - پوستی و جنیستی در جغرافیای بنام زمین نفس میکشند در نقاط مختلف زندگی های متفاوت با رسوم متفاوت هستند. در دنیای که آدم ها با تفاوت های خاص شکل زندگی متفاوت اما بعضی ها با نا برابری های مشقت بار تحت شکنجه های حیوانی زندگی پر تلاطم را دارند از پدیده بنام دین - رسوم و عنعنات زندگی پر چالشرا سپری میکنند. افغانستان سر زمین است که در شرایط بحرانی جنگ های داخلی گروه های مختلف مذهبی بنام های متفاوت به هدف های شوم تروریسم و نسل کشی وزن ستیزی و پایمال کردن حقوق انسانی حتی حقوق هیچ زنده جان در امنیت نیست قرار دارد.

در این چند دهه خشونت علیه زن افزایش یافته که نمیتوان ارقام اش بیان کنیم هیچ روزانه دهها انسان توسط این جانینان جان خود را از دست داده میروند.

در جغرافیای مانند افغانستان زن جنس دوم شناخته میشود زن در اسارت مشقت خون خورانه هر روز قطره قطره خون زن را میمکند زن مثل برده خرید و فروش میشوند زن بد داده میشود.

ما در قرن بیست یکم و زندگی میکنم اما زنان تحت خشونت مردان وحشی آدم نما که اصلاً وجدان ندارند. در جریان این مدت چندین زن به حالت فجیع کشته شده اند خانم را در غرب افغانستان در محضر عام سنگ سار شد ناله های زن زمین و آسمان را کوه و دشت رابه گریه آورده بوداما این لعنتی های که سنگ را طرف خانم پرتاب میکردند وجدان شان خفه شده بود.

خانم دیگری در ولایت تخار میخ کوبی شد این وحشی ها تا حدی خانم را لت و کوب کردند که حتی در وقت میخ کوبیدن در الت تناسلی اش از حال رفت که روده هایش داخلی کفید و جان باخت خانم مذکور مادر چهار فرزند بود این است وجدان های خوابیده مردم متأسفانه.

از اینروزنجیر استبداد را بشکنیم برای آزادی جنیستی و مساوات و برابری با همدیگریکی شویم خود و جامعه خود را از ظلم و وحشت و خشونت نجات دهیم و برای نسل آینده این ظلم و نسل کشی را به ارث نگذاریم.

حکومت ایران و همجنس‌گرایان:

شیما مقدم



جمهوری اسلامی ایران بیانیه حقوق بشر سازمان ملل را امضا کرده است. در این بیانیه تأکید شده که باید مانع نقض حقوق افراد به دلیل جنسیت، ملیت یا عقاید آنها شود. در ضمیمه‌ای که به این بیانیه افزوده شده، گرایش جنسی و هویت جنسیتی هم مطرح شده است. با این حال همجنس‌گراستیزی، دگرپاش ستیزی و جنس‌سوم‌هراسی در گفتمان

مقامات ارشد ایران جای خود را دارد. محمود احمدی‌نژاد، رییس جمهوری پیشین ایران است، وقتی که در سفرش به شهر نیویورک، در پاسخ به سوالی در دانشگاه کلمبیای این شهر گفت: «در ایران همجنس‌باز نداریم». واژه همجنس‌باز، در بسیاری از موارد، از سوی مقامات ایرانی برای توهین به رابطه با همجنس استفاده می‌شود. محمد خاتمی، دیگر رییس جمهوری پیشین ایران هم در پاسخ به یک سوال در دانشگاهی خارج از ایران ادعا کرده بود همجنس‌گرایی یک بیماری است و بایستی درمان شود. خاتمی در آن زمان گفته بود: «مجازات در واقع خودش درمان یک نوع خشونت و انحراف در جامعه است که اگر هم نباشد، جامعه اصلاً نمی‌تواند استقرار پیدا کند». محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران هم از اعدام همجنس‌گرایان در ایران دفاع کرد. در نشست خبری مشترک با همتای آلمانی‌اش در تهران، در پاسخ به سوال خبرنگار روزنامه بیلد درباره اینکه «آیا همجنس

سمت و سو بدھیم، نه صرفاً عوامل بیرونی، بلکه باید در درون خودمان جست‌وجو شود. ناتوانی در سازمان‌دهی نیروهای مردمی و نداشتن رسانه‌های پرمخاطب ایدئولوژیک با گرایش‌های سیاسی (و نه صرفاً حقوق بشری) پیش از آنکه ناشی از محدودیت‌ها و سرکوب باشد، ناشی از ضعف‌ها و کوتاهی خودمان است. اکنون پس از چهار دهه، هنوز نه تشکیلات آزادی‌خواهانه‌ای داریم و نه تریبون پرمخاطبی که از جان سخن بگوید، بلکه بر جان نشینند. نداشتن رسانه پرمخاطب و نبود فضای نقد و تحلیل برای رصد کردن دلایل و عوامل نارضایتی‌ها و نبود تحلیل درست از کنش‌ها و واکنش‌های حکومت، هر بار به بیراهه‌ای می‌بردمان که بهای آن شکست‌های پی‌درپی و فرو رفتن در خلسه و بیهودگی کنونی است. به همین دلیل است که با وجود فرصت‌های موجود و اعتراضات پیش‌آمده دستاوردی نداریم.

نامه گلرخ ایرایی از زندان قرچک؛ در نمایش اهانت‌آمیز حکومتی که داستان زمامدارانش به خون آلوده است شرکت نمی‌کنیم

خاورمیانه روی کار آمدند و در اولین اقدامشان تمامی احزاب منحل شدند. سران احزاب تحت شکنج قرار گرفتند و با دردناک‌ترین شیوه‌ها و ادار به اعتراف اجباری علیه خود یا وادار به ترک وطن شدند. بسیاری را که ثمره از جان گذشتگی‌شان سرنگونی دیکتاتور پیشین بود، به کام مرگ کشیدند؛ حجم سرکوب و وحشت به حدی بود که بسیاری از هواداران به انزوا رفتند. با ادامه جنگ خارجی که در ماه‌های ابتدائی به سمت آتش‌پس می‌رفت، قدرت خود را تثبیت کردند. در طول سال‌های جنگ با تحریک افکار عمومی و درگیر کردن افراد با فشارهای ناشی از جنگ، بسیاری از مخالفان داخلی را شناسایی، سرکوب و به قتل رساندند. پس از اتمام جنگ نیز در جنایتی هولناک بسیاری را قربانی زیاده‌خواهی خود کردند. سرکوب و وحشتی که جامعه را در خود فرو برده بود، به سکوت و انزوای فعالین ختم شد و همزمان با آن از بین رفتن احزاب منجر به سکون و بسته شدن درهای جامعه‌ی سیاسی شد. سرکوب از جانب حکومت انکارناشدنی است؛ اما آنچه باعث می‌شود نتوانیم اجتماعاتمان را شکل داده و به اعتراضاتمان



نه در چهار دهه‌ی اخیر، بلکه در یکصد سال گذشته علیه ظلم شوریدیم و هر بار سخت‌تر از قبل سرکوب شدیم. عوامل بیرونی شکست‌هایمان را به کرات بررسی کردیم. در تحلیل‌هایمان از علت ضعف و کوتاهی‌هایمان غافل ماندیم و دلیل متوقف شدنمان را هر بار به عوامل بیرونی و دیگرانی نسبت دادیم که بی‌تقصیر نبودند اما از ضعف‌های خودمان جان گرفتند. پس از شکست دیکتاتور پیشین مصادره انقلاب، اولین گروه بنیادگرایان اسلامی در

این جانیهای لابی حکومت از جان یک ملت، یک سرزمین چه میخواهند؟
فریبا رشیدی



نمیدانم اسم این مقاله را چه بنامم و چه واژه ای رو پیدا کنم که مناسب بیان غم و رنج یک ملت باشد. از داغ کدامین مادر بنویسم، از اشک کدامین کودک بی پدر بنویسم،

سیستمهای فاشیستی و توده گرا از هر متودی برای کشتاندن مردم به خیابان استفاده میکنند و هیچ ابایی ندارند. دانش آموزان مدارس، کارمند ادارات، تمام نهادها دولتی ونیمه دولتی را به زور و رشوه برای عزاداری بزرگترین تروریست جهان (قاسم سلیمانی) به خیابانها آوردند. رژیم در حقیقت قصد دارد قدرت پوشالی خود را به منصفه ظهور برساند. بر همگان روشن است که این یک نمایش است و نماد تابوت این جانی را به عنوان

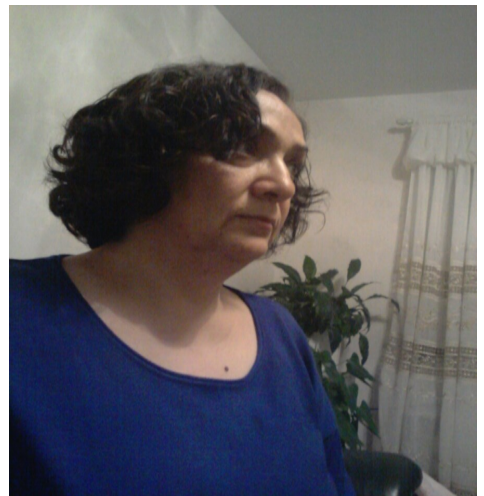
پهلوان در مدارس گذاشتن و دانش آموزان را مجبور به سجده کرده اند. خیلی باید نفرت انگیز باشد. این جانی ها از جان ملت بیگانه چی میخواهند و تا که ی از هر سلاحی برای کشتار مردم استفاده میکنند؟ برای همه روشن است که خیلی به پایان خلافتشان نمانده و امیدوارم روزی همین جنایتکاران رژیم به دست مردم مجازات شوند. منتظر آن روز هستیم ببینیم که به چه روزی میفتند سرنگونیشان آرامش یک ملت و سرزمین است.

زبان قدرت بیان اینهمه را ندارد دل توان این همه غصه را ندارد دیگر اشکی نمونده برای ریختن تنها باید فریاد کشید که دادرسی نیست.

با عرض تسلیت به خانواده جانباختگان و قربانیان بوئینگ 737 پرواز اوکراین، این فاجعه را نمیتوانیم فراموش کنیم. جمهوری اسلامی ایران با خطای عمد و کسی نمیداند که چه سیاستی در پشت این حادثه بود که جان ۱۷۶ نفر را گرفتند و کشتند. بیشتر از ۴۰ سال است جمهوری اسلامی ایران قاتل جان مردم و نخبگان این سرزمین است. مردم هنوز برای جانباختگان ۲۸ آبانماه سیاهپوش بودن که این حادثه غم انگیز نیز رخ داد. برای جمهوری اسلامی ایران بسیار شرم آور است که به خانواده جانباختگان اجازه نداد که طبق رسم مراسم خاکسپاری برگزار شود، ولی برای یک قاتل جانی و تروریست قاسم جمهوری اسلامی بر اساس تضاد و پارادوکس، و سواستفاده از شهروندان، و ریاکاری مردم را به خیابانها کشتاندند.

وضعیت حقوق بشر در ایران

مرضیه آدمی فعال حقوق بشر و زنان



با سلامی گرم به هموعان عزیز و دلی پر درد از حوادث اخیر از جمله جانباختگان آبانماه و دردناکتر از آن کشتن 176 نفر مسافر خارج که عازم خانه هایشان بودند که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ایران آنها را به عنوان سپر انسانی مورد اثابت 2 موشک خود قرار داد و همگی آنها را سوزاند و تکه تکه کرد. با تسلیت به تمامی بازماندگان این حادثه دلخراش.

و اما اینبار در باره زنان و دختران سرزمین ایران میخواهم درد و دلی با شما عزیزان داشته باشم. در باره عزیزانی که تنها جرمشان این بوده که روز زن را در مترو

نامناسب جسمی سمانه نوروز مرادی میگوید، ماههاست که سمانه با عفونت شدید سینه مواجه شده و به تازگی با بزرگتر شدن توده ایجاد شده در سینه که طی آزمایشات، سونوگرافی و ماموگرافی که البته در فرآیند

طولانی مدت در بیمارستانهای خارج از زندان به عمل آمده، هاپیر شدن وضعیت سرطانی سینه مشخص شده و با وجود گذشت چند ماه از دستور پزشک جراح مینی بر تخلیه سینه، تا این لحظه هیچ اقدامی از سوی

بهداری زندان اوین صورت نپذیرفته است. ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، منیره عربشاهی فعال مدنی محبوس در زندان اوین روز یکشنبه ۱۳ بهمن ماه ۱۳۹۸، طی نامه‌ای به مشکلات و معضلات زنان زندانی در اوین در خصوص معالجه بیماری و رسیدگی به وضعیت سلامت آنان نوشته است.

“اینجا اوین است. زندانی که از آن به هتلی ۵ ستاره و لاکچری یاد می‌شود. شاید این عنوان چندان هم نابجا نباشد اما فقط برای آن دسته از رانت خواران و مختلصین شکم باره‌ای صدق می‌کند که شیره جان مردم را با حرص و ولع تمام نشدنی آنقدر دوشیدند و خوردند که از بوی تعفن مذبله هایشان مشام ملت آزرده شد و خودشان را راهی زندان کرد. اما چه باک که این یغماگران مال ملت با اعتباری که از متاع دزدی عایدشان شده در زندان هم بستری برای سروری و عیش خود مهیا ساخته‌اند و از طریق زندانبانان

به هموعانشان تبریک گفته و با شاخه گلی به آنها که محبتشان را ابراز کردند که آنها را که مادر و دخترش بوده دستگیر کرده و حدود یکساله که تحت شرایط اسفناکی در زندان هستند.

زنان ایران را 41 ساله در بند کرده اند و ارزش ما زنان را تا حد یک بیضه مرد پایین آورده و بدترین توهینها وتهمتها را به کسانی که نمیخواهند به اجبار حجاب بر سر کنند به آنها نسبت میدهند.

ایران ما تبدیل به جایی شده که زنان با شرف و روشنفکر و آزادیخواهش بدکاره نامیده میشوند از طرف حاکمان و مسئولانش و زنان و دختران بدکاره اش را در خانه های فساد که مدیریتش را آخوندی مثل علم الهدی و امثال او اداره میکنند و درصدی از این شغل کثیف را خودشان بر میدارند و هر چه دختران کم سن تر باشند با پول بیشتری در اختیار مردان هرزه ایرانی و عراقی قرار میدهند. بله ایران ما را به چنین جایی تبدیل کردند.

نامه منیره عربشاهی در خصوص محرومیت زنان زندانی سیاسی از درمان؛ وضعیت سمانه نوروز مرادی بغرنج است

منیره عربشاهی، فعال مدنی محبوس در زندان اوین نامه‌ای در خصوص وضعیت بهداری زندان اوین و مشکلات و موانع زنان زندانی برای دریافت خدمات درمانی و اعزام به بیمارستان نوشته است. خانم عربشاهی در بخشی از این نامه با اشاره به وضعیت

زر خرید قادرند از شیر مرغ تا جان آدمیزاد را در اختیار داشته باشند. اما به رسم روزگار در کنار هر کاخی، کوخی هم وجود دارد و آن کوخ موسوم است به بند نسوان به لفظ پرسنل زندان و بند زنان به بیان زندانیان سیاسی محبوس در آن زنانی که به لحاظ مبارزات سیاسی، فعالیت‌های مدنی و یا اعتقادات دینی خود با حکم‌های سبک و سنگین پشت دیوارهای مرتفع آن عمر را سپری می‌کنند. آنچه در این گوشه از زندان در گذر است، از حوصله این نوشتار خارج است. آنچه نگارنده سعی در مطرح کردنش دارد اوضاع بس نابسامان بخش بهداشت و درمان مستقر در این زندان و اقدامات دیر هنگام اعزام بیماران زندانی به مراکز بیمارستانی خارج از زندان است.

سمانه نوروز مرادی

قبل از هر سخنی باید به این نکته توجه شود که هر فرد زندانی اعم از مرد یا زن در فرآیند دستگیری، بازجویی‌های مکرر، نگهداری در سلول‌های انفرادی، تهدیدها، تطمیع‌ها، دوری از خانه و خانواده و حبس‌های طولانی مدت در معرض آسیب‌های جدی روحی، روانی و حتی جسمی قرار می‌گیرد که مستلزم رسیدگی‌های بهداشتی، درمانی و روانی است و زندان موظف به ارائه خدمات و مراقبت‌های پزشکی به زندانیان است. زنان علاوه بر موارد یاد شده به دلایل گوناگون مستعد برخی بیماری‌های خاص زنانه هستند که در صورت بروز علائم باید به موقع از خدمات پزشکی بهره‌مند شوند. گاهی تأخیر در اقدامات درمانی، تأثیرات جبران‌ناپذیری در روند بهبود و سلامت بیمار باقی می‌گذارد.

با این تفاسیر، بهداشتی اوین در ارائه خدمات بخصوص بیماران زندانی زن مسیر سیر نزولی در پیش گرفته است. (شاید عدم خدمت رسانی صحیح و به موقع شامل بندهای عمومی زندانیان مواد با جرایم عادی نیز باشد).

بهداری اوین از ابتدایی‌ترین امکانات پزشکی و دارویی که محقرترین خانه‌های بهداشت در مناطق روستایی از آن بهره‌مند هستند، محروم است.

به علاوه عدم وجدان حرفه‌ای و یا تشخیص صحیح بیماری از سوی از پزشکان بهداشتی اوین حس بی اعتمادی بند زنان را برانگیخته است. به عنوان نمونه یکی از زندانیان جوان عصب مچ پایش دچار آسیب دیدگی می‌شود، پزشک بهداشتی بدون هیچگونه معاینه‌ای عکس و ام آر آی و یا آزمایشی مشکل وی را دیابت تشخیص می‌دهد.

یکی دیگر از زندانیان نیز دچار سرگیجه

می‌شود، پزشک حاضر در بهداشتی بدون گرفتن فشار دستور تزریق سرم می‌دهد و چون پی می‌برد که سرم در بهداشتی وجود ندارد به بیمار می‌گوید مشکلی ندارد و برایش خوردن یک حبه قند تجویز می‌کند.

باید به این نکته اشاره شود که پزشکان بخش بهداشتی بنا بر دستور مقامات اطلاعاتی حق دست زدن به زنان بیمار زندانی را ندارند از این رو نمی‌توانند در صورت لزوم فشار آنان را بگیرند و یا میزان ضربان نبضشان را بسنجند. اتفاق افتاده بیماری در اثر تشنج بر زمین افتاده و پزشک هیچ واکنشی از خود بروز نداده است.

گرچه پزشکان طبق سوگندی که یاد کرده‌اند، منعی جهت لمس و معاینه زن بیمار، با رعایت موازین اخلاقی و حرفه‌ای ندارند اما در بخش بهداشتی اوین از ترس استنطاق و مواخذه اطلاعات چپان ترجیح می‌دهند فاصله یک متری خود را با زنان زندانی اما بیمار حفظ کنند. شاید در نگاه اول این نوع رفتارها بیشتر به یک نمایش طنز شبیه باشد اما این گوشه بسیار کوچکی از واقعیتی است که جریان دارد.

اما در ادامه این نوشتار باید به حکایت تلخی اشاره کرد و آن حکایت دردها و عذاب‌های شبانه‌روزی سمانه نوروزی مرادی زندانی سیاسی بند زنان اوین است که دیگر خوردن هیچ قرص و داروی مسکنی قادر به فروکش کردن و یا تخفیف زجری که از بیماری لوپوس می‌کشد، نیست.

لوپوس نوعی از بیماری مهلک خود ایمنی است که بدن برای مقابله با عوارضی چون استرس، اضطراب و سایر عفونت‌ها با عکس‌العمل معکوس و ضربه زدن به بدن فرد مبتلا عمل می‌کند و باعث تورم و عدم تحرک و درد شدید مفاصل می‌شود. از آنجایی که داروی درمانی قطعی برای این بیماری نیست و داروهای تجویز شده برای این بیماری کورتون و مسکن جهت کاهش درد است، عوارضی ناشی از مصرف این داروها سبب بروز مشکلاتی برای چشم‌ها، کلیه، کبد، قلب و سایر اعضای بدن می‌شود.

در کنار چنین بیماری مهلکی، سمانه ماه‌هاست با عفونت شدید سینه مواجه شده و به تازگی با بزرگتر شدن توده ایجاد شده در سینه که طی آزمایشات، سونوگرافی و ماموگرافی که البته در فرآیند طولانی مدت در بیمارستان‌های خارج از زندان به عمل آمده، هاپیر شدن وضعیت سرطانی سینه مشخص شده و با وجود گذشت چند ماه از دستور پزشک جراح مبنی بر تخلیه سینه، تا این لحظه هیچ اقدامی از سوی بهداشتی زندان اوین صورت نپذیرفته است. به تازگی با معاینه مجدد پزشک زنان زندان شرایط

بیماری وی را اورژانسی تشخیص داده که باید سریعاً به بیمارستان اعزام شود. اما با کوتاهی‌های عوامل زندان و نگرفتن وقت جراحی از بیمارستان سمانه با وجود اورژانسی بودن وضعیتش هنوز عمل نکرده و این سهل انگاری کادر بهداشتی زندان باعث پیشرفت عفونت سینه و حمله‌های مکرر لوپوس به وی شده است.

عدم اعزام به موقع، از معضلاتی است که زندانیان اوین را در حیطه خطر قرار داده و علیرغم گزارشات، پیگیری‌ها و گفت‌وگوهای مکرر زندانیان هیچگونه سیاستی جهت سهولت این امر مهم و حیاتی صورت نپذیرفته است.

منیره عربشاهی / ۱۳ بهمن ماه ۱۳۹۸ / بند زنان زندان اوین

در ارتباط با نویسنده این نامه گفتنی است، منیره عربشاهی، فعال مدنی روز پنجشنبه ۲۲ فروردین‌ماه امسال در پی مراجعه به بازداشتگاه وزرا در تهران جهت پیگیری وضعیت دخترش یاسمن آریانی که یک روز پیش از آن بازداشت شده بود، بازداشت و یک روز بعد به زندان قرچک ورامین منتقل شد.

خانم عربشاهی اوایل مردادماه امسال توسط شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی مقیسه از بابت اتهامات "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام، تشویق و فراهم نمودن موجبات فساد و فحشا" مجموعاً به ۱۶ سال حبس محکوم شد. این حکم نهایتاً توسط شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به ریاست قاضی حسن بابایی، به ۹ سال و ۷ ماه حبس تقلیل یافت. با استناد به ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مجازات اشد یعنی ۵ سال و شش ماه حبس تعزیری از بابت اتهام "تشویق و فراهم نمودن موجبات فساد و فحشا" در خصوص خانم عربشاهی قابل اجرا خواهد بود. در جریان این پرونده، در مراحل بازپرسی در داسرا، دادگاه بدوی و در مرحله تجدیدنظر اجازه ورود به وکلا داده نشد و دادگاه از دریافت لایحه دفاعیه وکلای مدافع متهمان نیز خودداری کرد.

خانم عربشاهی در تاریخ ۲۲ مردادماه ۹۸ همراه با دخترش یاسمن آریانی و مژگان کشاورز دو هم پرونده ای خود و صبا کردافشاری از زندان قرچک ورامین به بند زنان زندان اوین منتقل شدند.

در پایان از شما عزیزان تمنا دارم که بیایید صدای مظلومیت زندانیان ایران باشیم و اجازه ندهیم که با جان آنها اینچنین بازی کنند.

تا سرنگونی رژیم دیکتاتور و جنایتکار جمهوری اسلامی از پای نمیشینیم

بررسی علل شلیک دو موشک

ادامه ی صفحه ی 7

فرصت را نده جنبشی که الان در حال حاضر این فرصت را نداده به هیچکدامشان و همه پروژه هایشان را میسوزاند، تا بتواند خودش را متحد و متشکل کند که شرایطی را بوجود بیاورد که قدرت دوگانه ای ایجاد بشه که فردایش بتواند جمهوری اسلامی را بنوازد و خودش اعمال حاکمیت کنه و خودش بتونه آلترناتیو حکومتش را توی یک فضای آزاد با انحلال جمهوری اسلامی با خلع سلاح سپاه و ارتش و بنیاد مقام ولی فقیه و تمام دستگاه حاکمیت بتونه انتخاب بکنه که حکومت بعدیش چی باشه، بهر حال همانطور که گفتیم خود جمهوری اسلامی شانسش را این میدونه که به استیصال و انشقاق بکشونه و دریچه برکتی بقول شما برکتی جنگی یا چیزی به رویش باز شود تا الان که امکانش را پیدا نکرده و تلاشش نتیجه عکس داده و از آن طرف هم، قطب دیگر تروریستی که اپوزیسیون راست، سرمایه گذاری کرده که فاصله این پروسه قیچی بشه و اون خلاء قدرت ایجاد بشه و اینها بتوانند سیستم را بدون پرچم جمهوری اسلامی سوت پایان این تحرک انقلابی را بزنند و دور دیگری از سرکوب و فقر و فلاکت را به جامعه تحمیل کنند، بهر حال خشم مردم مشکل جمهوری اسلامی نیست، خشم مردم مشکل خامنه ای نیست، خامنه ای وقیحانه در نماز جمعه سعی کرد که کشتار 176 نفر را کم اهمیت جلوه دهد و تمرکزش روی خودشان بود و متحد نگهداشتن صف خودشان و جلوگیری از ریزش و اینها ابایی ندارند از اینکه چند نفری را در داخل خودشان قربانی کنند تا مرعوب کنند خودشان را که شانس موندن با این ارکان نظام هست تا بیرون زدن، گفتیم که ریزششان از بام این حواشی جشنواره و مسابقات ورزشی شروع، الان صدا و سیما تبدیل شده به یک نهاد منفور که توی آن کار کردن یک چیزی هستش در حد کار کردن برای ساواک در زمان شاه، که چقدر کار کردن در رکن دو ارتش یعنی ساواک در اذهان جامعه کریه و زشت و جنایی بود، الان کار کردن در صدا و سیما این جوری شده که کارمندانش تبدیل شدن به بازجویان و شکنجه گران و پروژه های امنیتی هستند بطوری که کارمندانی که سالها در آنجا کار کرده اند میآیند و میگویند که ما خجالت میکشیم بیاییم، چون مردم ما را بدجوری نگاه میکنند.

بهر حال این وضعیت نظامه و معضل خامنه ای اینست که یک هسته ی منسجمی را

نگهداره که بنشینند و پروژه های جنایی برای مقابله با این تعرض مردمی که سیر سرنگونی جمهوری اسلامی و سیر انقلابی سرنگونی جمهوری اسلامی را محتمل کرده، جلویش را بگیرند.

مینو همتی: در اعتراضات اخیر بازم شاهد حضور پر رنگ زنان آزادیخواه و برابری طلب در کنار مردان و در صف مقدم اعتراضات به حق مردم بودیم. آیا اتحاد و همبستگی جنبش رهائی زن دست در دست جنبش دانشجویان، معلمان، کارگران و دیگر اقشار تحت ستم میتواند جنایت کاران حاکم را از تخت سلطنت اسلامی پائین کشد و در دادگاههای بین المللی محاکمه کند؟

ثریا شهابی: بی تردید میتونه، ببینید جنبش رهائی زن، الان اگر شما یک عکسی بگیرید از خاورمیانه، ببینید که یکی از پرطیش ترین، یکی از فعالترین جنبشهای در صحنه است، نه تنها برای حق زنان بلکه برای رفاه و عدالت اجتماعی در یک جامعه سکولار و غیر قومی و غیرمذهبی، اسلام سیاسی فجایی که در خاورمیانه آفریده علیه زنان که بیشتر از هر کسی زنان را به یک زندگی قرون وسطایی، از خرید و فروش و تجاوز و محروم کردنشان از ابتدایی ترین حق، حتی برده و حتی احشام، وضعیتی را بوجود آورده که این انفجار اعتراضی را که شما شاهدش هستید، در صف مقدمش زنان هستند، آژاتورها و سازمان دهندگان و سخنگویانی که شما ببینید، بلندگو بدست توی خیابانهای عراق و بیروت و توی تهران، چقدر رادیکال و چقدر تعرضی کل نظام را نشانه گرفته اند، به موازات توحش و جنایاتی که اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی علیه زنان که رنگش را به خاورمیانه و جهان زده و به موازات شما شاهدید که چه اعتراضات عظیم انقلابی در خاورمیانه که پرچم رهائی زن به میدان آمده و کل نظام را نشانه گرفته، جنبش رهائی زن بدون در هم تنیدگی در جنبش طبقه کارگر و جنبش محرومان و دانشجویان و فقرا و همه کسانی که کیفر خواستهایشان را علیه حاکمیت جمهوری اسلامی امروز در میدان است، بدون در هم تنیدگی با آنها، شانس رهائی نداره، همینطور جنبشهای کارگری و دانشجویی و عدالت خواهی، آزادیخواهی در ایران و کل خاورمیانه، بدون در هم تنیدگی با جنبش رهائر زن امکان پیشروی و موفقیت نداره، ببینید اگر که جنبش زهائی زن در غرب امروز به خاطر تاریخی که جنبش رهائر زن دستاوردهایی که در غرب داشته و کل عقب نشینی که به جنبش سوسیالیستی و چپ تامین شده، اگر ببینید که به حواشی و تکه پاره و

موزاییکی تبدیل شده که هر کسی یک گوشه اش را میگیره و یک شکل از جنبش رهائی زن در ایران و عراق و کل خاورمیانه برای رهائر از بی حقوقی مطلق که بهش تحمیل شده، ناچاره که کل نظام سرمایه داری را در مورد تعرض قرار دهد، تعرض میکنه به استثمار و بی عدالتی و فقر و به بی حقوقی هائی که رنگش را به کل جامعه زده و خواهان یک جامعه غیرقومی و غیرمذهبی و سکولار و آزاد و برابر و آزادی و برابری جنسیتی را توأم با آزادی و برابری در اقتصاد، در دسترسی به منابع اقتصادی و دسترسی به رفاه و شادی برای همه کرده، این از واقعیتی مسات میگیره و آن آیت است که اگر بطور کلی صحبتش را بکنیم زن ستیزی یک رکن است از سرمایه داری و زن ستیزی مذهب و زن ستیزی وقایع قرون وسطایی سودی میبره، اگر در غرب مکانیزمهای غیرمستقیم هست، شما در کشورهای مثل ایران شاهدش هستید که زن ستیزی یک رکن بقای سرمایه است، بقای حفظ استثمار و تحمیل انقیاد اقتصادی به کارکنان جامعه به طبقه کارگر، زن ستیزی است در نتیجه جنبش رهائی زن، یک جنبش چپ و سوسیالیستی که کل بنیادهای استثمار و سرکوب و بهره کسی از انسان را میخواد، پایان دهد، شانس پیروزی نداریم، اینها بیشتر از تئوری امروز شما شاهد سوخت و ساز و طیش زنده اس هستید، از ایران تا عراق و لبنان برای آزاد شدن از فجایی که اسلام سیاسی آفریده، حتی آزادی در حق انتخاب پوشش و انتخاب همسر ندارند و حتی آن آزادی را که در حیوانات در انتخاب همسر خود دارند ولی زن در این جوامع حتی آزاد نیست که همسرش را قانوناً و شرعاً انتخاب کند، برای دسترسی به اینها ناچاره که بنیادهای استثمار و ستم را بزنه، اینجاست که تمام آن تئوریهایی که چطور در جامعه ای مثل ایران واقعیش را که گره خورده با زن ستیزی بعنوان یک رکن بقای نظام سرمایه داری است توی ایران، ببینید که چطوری خودش را نشان میدهد مه برای خلاصی از حجاب و از قوانین اسلامی، برای خلاصی از شر اسلام ستیزی شما ناچارید که بنیادهای نظام سرمایه و بی حقوقی، فقر، استثمار، به اینها تعرض بکنید، و از این نظر جنبش رهائی زن یک رکن از جنبش آنتی کاپیتالیستی برای عدالت اجتماعی، آزادی و برابری جنسی انسانها و رفع تبعیض از نیمی از شهروندان و یک رکنش آزادی و رهائی زن است، اینها بدون همدیگر امکان پیروزی ندارند، در هم تنیده تر از این هستند که فراتر از تئوری در عمل داریم ببینیم، باید آگاهانه برای اینها پرچمهای

آزادی خواهانه را بلند کرد که جنبش رهایی زن مستقیماً با بیان خواسته‌های سوسیالیستی که در جنگ جهانی دوم، بعد از آن انقلابات سوسیالیستی در اروپا داشتند، چطور پیش‌تاز رهایی زن بودند؟

امروز زنان چپ و سوسیالیست پیش‌تاز جنبش رهایی زن هستند و حضورشان را در صحنه، حتی اگر هیچ پرچم سرخی را بلند نکنند توی ایران شما میبینید و از این نظر به نظر من پیشروی این جنبش روی سکوی خیلی خیلی محکمی قرار گرفته و شانس پیشرویش خیلی زیاده.

مینو همتی: در واکنش به گسترش جنبش اعتراضی در لبنان، عراق و ایران که نظام مرتجع و فاسد اسلامیون را نشانه گرفته است، آیا رهبر رژیم در خطابه جمعه، شیپور "نعمت الهی" جنگ دیگری را برای بقای نظام بصدا در آورد؟

ثریا شهابی: به نظر من نه، خامنه ای نه ارتجاع اسلامی در موقعیتی نیست که شیپور جنگ را به صدا در آورد، او میتواند شیپور دسته جان داعشی و انتھاری و انفجارات و اجیر کردن این باند و آن باند را به صدا در آورد، ولی اسلام سیاسی در خاورمیانه در یک موقعیتی نیست، از نظر مشروعیت هم در شرایطی نیست، نه بخاطر فشاری که فجایی که امریکا و ناتو توی خاورمیانه

جنازه عربده های پان اسلامیستی را، نجات قدس و کربلا، کربلاهایشان را مردم محروم کربلا بر سرشان خراب کردند، در نتیجه از نظر ایدئولوژیک شکست خوردند، ولی از نظر سازمانی و نهادی اینها، پول و اسلحه و امکانات جنایی زیادی دارند و میتوانند خون بپاشند به جوامعی که اگر بتوانند، ولی الان چنین امکانی ندارند.

اینها خودشان را جمع میکنند بعنوان دسته جات جنایی که بتوانند از شکافهای بین المللی در بیایند و بتوانند میدان تحرکی پیدا کنند، با استفاده از دسته جات قومی و مذهبی دیگری که به حاشیه رانده شدند، اون سخنرانی خامنه ای و عربده کشی هایشان بیشتر برای حفظ یک هسته در درون خودشان است، برای مقاومت که میگه سنگرها را خالی نکنید و ما را تنها نگذارید و ما آینده داریم، آینده ای که دورنمایی خیلی تاریک و سیاه دارند و آینده ای ندارند، ولی بهر حال تلاشی دارن میکنند.

ثریا شهابی عزیز با سپاس از اینکه نظراتتان را بینندگان ما سهیم شدید.

با تشکر از **مرضیه آدمی** برای پیاده کردن متن مصاحبه تلویزیونی

آفریدن، بخاطر محرومینی که اینها بنام آنها و با سوءاستفاده از نام آنها عمری تغذیه کردن، به اسم مصائب فلسطین عمری تغذیه سیاسی کردن، با همان مستضعفان و مردمی که جتن به لبشان رسیده مورد تعرض قرار گرفتن، این تعرض، تعرض ترامپ و ناتو نیستش که اینها بتوانند توی باد ضد امپریالیستی، به اصطلاح توی باد شکافهای بین المللی بتوانند جنازه مشرف به موت اسلام سیاسی و ارتجاع اسلامی را نگهدارند، از این نظر، به نظر من در باد شیپور جنگی به آن معنا که به اصطلاح شما زمانی شاهد تحرکات حزب الله و ارتجاع اسلامی و دسته جات شیعی در عراق و اقصی نقاط کشورهای اسلامی زده بودند.

دسته جات اسلام سیاسی با تعرضی که محرومین در ایران و در عراق و لبنان علیه شان کردند، روحیه باخته تر از آن هستند که توی پروپاگاندای جنگی بدمند. اینها الان قدرتهای حاکمی هستند که دارن مردم را سرکوب میکنند، توی خیابانهای بیروت دارن کشتار میکنند، توی ایران کشتار میکنند، در نتیجه جنگ محرومین با اسلام سیاسی، دیگه نه جنگ امپریالیستهاست و نه جنگ خارجی، جنگ کسانی هستند که برای دادخواهی آمدن که ارتجاعی اسلام سیاسی را به زیر بکشند، اینها توی موقعیتی نیستند که بتوانند

ندا ناجی یکی از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر بعد از 392 روز به مرخصی آمدی

برگزاری آکسیون 8 مارس روز جهانی زن در شهر اشتوتگارت آلمان



علائم احتمال ویروس کرونا و راه های کاهش مبتلا شدن به بیماری کرونا

لطفا برای حفظ سلامت خود و اطرافیانتان به این نکات بهداشتی توجه کنید.

علائم ویروس جدید چیست؟

در معمولی ترین حالت این ویروس باعث سرماخوردگی می شود اما در مواردی باعث سندروم حاد تنفسی یا همان "سارس" می شود. نشانه های ابتلا به این ویروس در انسان تب، سرفه، نفس نفس زدن و تنگی نفس است.

نشانه های نوع تازه ویروس کرونا



BBC

منبع: سازمان بهداشت جهانی

با این کارها احتمال آلودگی به ویروس کرونا را کاهش دهید

- دست ها را با آب و صابون یا ژل ضد عفونی کننده حاوی الکل تمیز کنید
- هنگام سرفه یا عطسه جلوی دهان و بینی خود را با دستمال یا آرنج بگیرید
- از تماس نزدیک با کسانی که علائم سرماخوردگی یا آنفلوانزا دارند پرهیز کنید
- گوشت و تخم مرغ را قبل از خوردن کاملا بپزید
- از تماس بدون محافظت با حیوانات وحشی یا دام های زنده خودداری کنید

BBC

منبع: سازمان بهداشت جهانی



سه تن از معترضان آبانماه به حکم اعدام محکوم شدند

سعید تمجیدی، بیست و هفت ساله، دانشجوی رشته مهندسی برق در مقطع کارشناسی از معترضان آبان نودو هشت است که همراه امیرحسین مرادی و محمد رجبی به اعدام محکوم شد.



هر کجا هستیم صدایشان باشیم! در خفا کشتن و به قتل رساندن معترضان، پنهان کردن آمار جنایات، انکار و دروغ گویی، به صدور احکام اعدام و قتل رسمی و قانونی برای معترضین به فقر و فلاکت، تنها و تنها روز نشان دادن سران جنایتکار جمهوری اسلامی پشت میز محاکمات در دادگاههای مردمی را نزدیک و نزدیک تر میکند!

نباید جرات کنند، حکم اعدامی صادر کنند! نباید جرات کنند دست تعرض بر روی جان و سلامت هیچ معترضی، بلند کنند چه رسد به اینکه حکم اعدام صادر کنند!

آرزوی خرداد شصت دیگری را جنازه متعفن جمهوری اسلامی ایران، با خود به گور خواهد برد! حکم آن را خیزش های محرومین از دیماه ۹۶ تا آبانماه ۹۸، صادر کرده است! تا روز اجرای این حکم اما، باید در مقابل تعرض به جان عزیزان زندانی محکوم به اعدام، سد محکمی بست و به قدرت اعتراضات خود، قاضی و محکمه شان را پشیمان کرد! و در هم کوبید.

بهران ویروس کرونا در کمین کودکان کار در سایه بی توجهی مسئولان



بر اساس آمارهای رسمی وزارت کار نزدیک به ۵۰۰ هزار کودک کار در کشور وجود دارد. نماینده مردم اصفهان در سال ۹۶ گفته بود به دلیل اینکه اغلب کودکان کار هیچگونه اوراق هویتی برای شناسایی ندارند، نمی توان تعدادشان را به صورت دقیق تخمین زد. چندی پیش انجمن حمایت از حقوق کودک، آماری منتشر کرد که بر طبق آن مشخص شد، در کشور حدود ۱۴ هزار زباله گرد وجود دارد که حدود یک سوم جمعیت آنها را کودکان تشکیل می دهند. کودکان کار این روزها با شمایل قبلی خود در خیابان ها دیده می شوند، با همان لباس هایی که قبلا تن می کردند، با همان رویه ای که قبلا داشتند دستفروشی می کنند و با همان شرایط به آدم ها نزدیک می شوند، بی آنکه بدانند ممکن است کسی در اطرافشان مبتلا به ویروس کرونا باشد و آنها نیز در معرض ابتلا باشند. زندگی بسیاری از این کودکان کار به صورت کمپی است و آنها با هم غذا می خورند، و طبیعتا امکانات محافظت از خود را هم در مقابل این بیماری خاص ندارند. از طرف دیگر به این کودکان آموزش داده نمی شود و دسترسی این کودکان به رسانه های اجتماعی نیز بسیار کم است و نمی دانند چگونه باید از خود محافظت کنند. وزارت بهداشت، که انگشت سایر نهادها برای ایجاد دستور العمل و پیشگیری به سمت آن است، هنوز در خصوص جلوگیری از شیوع کرونا در میان گروه هایی مانند کودکان کار و خیابان دستورالعملی ارائه نکرده است.

میترا حجازی پور، عضو سابق تیم ملی شطرنج ایران که ۱۲ دی ماه به خاطر حضور بدون حجاب اسلامی در مسابقات جهانی، از تیم ملی اخراج شده است



او در صفحه اینستاگرام خود نوشت...: «هر کدام از ما با قرار دادن خشت هایی هر چند کوچک و ناچیز از نظر خودمان، سنگ بنای آنچه به سر مان آمده است را گذاشته ایم و خود با دستان خودمان این هیولا را نان و آبش داده ایم، هیولایی به هر روی، هر چند دیر، اما من تصمیم گرفته ام که دیگر در ساخت و پرداخت این جرثومه ی هولناک سهمی نداشته باشم و دیگر در بازی "ما عاشق حجاب هستیم و با آن مشکلی نداریم" شرکت نکنم. به عقیده من حجاب اجباری نماد بارز مسلکی است که در آن زن، جنس دوم محسوب می شود. انبوه محدودیت ها را برای یک زن ایجاد و او را از داشتن حقوق اولیه خود محروم می کند. آیا این مصونیت است؟ قاطع می گویم، خیر، این تنها و تنها محدودیت است. ندای زنان

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه های تلویزیونی و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید پندیده

تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd

HoT BIRD

Frequency 11541 vertical

Symbol Rate: 22000

PoI V

FEC 5.6



برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: motiei_rojan@yahoo.com

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: MinoHemati@GMail.com

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ: وریا نقشبندی

تلفن تماس: 0046705827583

0046705827583

ایمیل: verya.1360@gmail.com

سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: sara_tina2003@yahoo.com

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: Sharahrezaei.p@gmail.com